

# ورود مخفیانه "لورنس عربستان" به ایران و فرار از زندان "قصر"

گروه قرار بود در منطقه "جراپالوس" در فرات به تحقیق بپردازد. لورنس در سال ۱۹۱۱، به کمک یکی از دوستان دانشجوی خود در کالج "مگ دالن" به منطقه "کار کمیش" رفت و تا سال ۱۹۱۴ همچنان زمان را به تحقیق و بررسی گذراند.

## ◆ اعتماد اعراب

در همین زمان یعنی در بین سال‌های ۱۹۱۴ - ۱۹۱۱ بود که لورنس در سوریه و در منطقه بین‌النهرین به کارهای تحقیقاتی پرداخت و بعد هم دامنه این تحقیقات را به فلسطین کشاند و باز دنباله همین کار بود که وی به صحرای سینای شمالی رفت و در آنجا در خدمت کلنل "تیسوکمب" به فعالیت‌های نظامی پرداخت او در این زمینه از خودش قدرت و توانایی خاصی نشان داد و قدرت رهبریش در امور نظامی را به ثبوت رساند. وی همچنین ثابت کرد که قدرت فوق‌العاده‌ای در جلب اعتماد اعراب دارد. جنگ جهانی اولی که شروع شد (۱۹۱۴) انگلستان در صدد برآمد از اعراب برای پیروزی بر نیروهای عثمانی استفاده کند. همه خاورمیانه عربی زیر سلطه عثمانی‌ها بود. لورنس به اعراب قول داد اگر در جنگ انگلستان با عثمانی از لندن حمایت کنند. بعداً انگلستان امپراتوری اعراب را به رسمیت می‌شناسد ولی لندن هرگز به قولش وفا نکرد.

## ◆ لورنس در جده

در اوایل جنگ اول جهانی لورنس نتوانست کار مهمی در ارتش در پیش گیرد به همین علت در بخش جغرافیایی اداره جنگ مشغول به کار شد. اما بعد از آن که نیروهای

اقامت کرده بود، به دنیا آمد. وی که دومین پسر از پنج پسر خانواده بود، در دبیرستان "آکسفورد" مشغول به تحصیل شد و بعد هم به "کالج جیسوس" در همان شهر آکسفورد رفت. جایی که بعداً در رشته "تاریخ معاصر" مقام اول را حاز شد.

## ◆ باستان شناس

وی به منظور مطالعه و بررسی معماری "عهد جنگ‌های صلیبی" سفری به سوریه کرد و بعد به خاطر اخطاهاش به زبان عربی و باستان‌شناسی به گروه "وی" پیوست. وی که قرار بود برای بررسی آثار تاریخی راهی خاورمیانه شود، پیوست. این

"توماس ادوارد لورنس" معروف به "لورنس عربستان" از چهره‌های به یادماندنی تاریخ معاصر جهان است که به دلیل ماجراجویی‌ها و کارهای محیرالعقول سیاسی و نظامی، سال‌ها سوژه داغ مطبوعات بود و حتی از زندگی‌اش فیلم‌های بسیاری تهیه و در این باره کتابهای متعددی نوشته شده است. با این حال در هیچ یک از فیلم‌ها و کتابهای یادشده از سفر او به ایران و هدف‌هایی که از این سفر تعقیب می‌کرد، سخنی به میان نیامده است. در این گزارش عزیمت محرمانه "لورنس" به نواحی شمال غرب ایران و سپس شناسایی او و انتقالش به زندان قصر تهران اشاره می‌شود.

براساس اسناد موجود، سفر لورنس به ایران در سال‌های ۹-۱۳۰۸ شمسی (۳۰-۱۹۲۹ میلادی) از طریق مرز ایران و عراق - نواحی سردشت کردستان - صورت گرفته و طی آن لورنس با برخی از سرکردگان طوایف منطقه ملاقات‌هایی نیز انجام داده است. اهمیت این مساله وقتی روشن می‌شود که دریابیم حتی از سال‌ها قبل از این سفر، سرزمین ایران به ویژه کردستان، مورد نظر و طرف توجه لورنس بوده است. تا آنجا که وی در نامه‌ای به دوستش "داوتی" که در کتاب "زندگی پنهان لورنس عربستان" آمده صراحتاً به این مساله اشاره کرده است.

در فرهنگ "بریتانیکا" زیر عبارت "توماس ادوارد لورنس" عباراتی نوشته شده که ترجمه آن چنین است.

"کاشف و محقق بریتانیایی که در ۱۵ اوت سال ۱۸۸۸ میلادی، از خانواده‌ای از اهالی "لیستر شایر" که قبلاً در همسایگی دوبلین



ترکیه به نیروهای مرکزی خود ملحق شدند، لورنس توسط لرد کیچنر به مصر اعزام و در بخش اطلاعات نظامی مشغول به فعالیت شد. وی در این مدت موفق شد عده‌ای از اعراب را علیه نیروهای ترکیه (عثمانی) به شورش کشانیده و برای آنان دفتری به نام "دفتر اعراب" تاسیس نماید. این دفتر که در سال ۱۹۱۶ تاسیس یافت، مسوول عملیات اعراب و مکانی برای اطلاعات استراتژیک گردید. وی که به اهمیت ارتباط بین اعراب و انگلستان واقف شده بود، در پاییز همان سال تقاضای سفر به جده را کرد. لورنس مدتی بعد مجدداً به دفتر اعراب که در آن موقع تحت عنوان "وزارت خارجه" اداره می‌شد بازگشت. وی که اخبار نسبتاً جالبی پیرامون "امیر فیصل" شنیده بود، "شریف حسین" را ترغیب کرد تا وی را به عربستان بفرستد، تا به این ترتیب بتواند از نیروهایی که از مدینه عقب رانده شده بودند، دین کند. لورنس در این سفر موفق شد اعتماد و اطمینان "امیر فیصل" را جلب و او را به آرایش مجدد نیروهایش تشویق کند. این نیروها بعداً به خط آهن حجاز حمله کردند و راه ارتباطی با مدینه را مورد تهدید قرار دادند. لورنس مقر کارش را در "وجه" قرار داد و در همین زمان بود که برادر دیگر "فیصل" به نام "عبدالله" با ارتشی نسبتاً قوی به وی پیوست.

### ◆ در بندر عقبه

لورنس با توجه به موقعیت جدید، به سوی قبایل شمالی عربستان روی آورد و در سطحی بسیار گسترده آنها را ترغیب به نبرد علیه نیروهای ترک کرد.

وی توانست خود را به منطقه "بعلبک" یعنی در پشت خطوط دشمن در سوریه برساند و با به کارگیری نیروی "هوویتات" تحت رهبری "ادوبوتانی" به مقر نیروهای ترک در منطقه "مان" حمله کند و راهی به سوی بندر عقبه بگشاید.

"لورنس" بعد از این موفقیت و پس از آن که بندر عقبه به صورت پایگاهی برای نیروهای فیصل درآمد، توسط این نیرو و با کمک ژنرال "ادموند النبی" به حرکتش ادامه داد و در منطقه "ودی‌ال‌ها" نزدیک "آل شوبک"، با نیروهای ترک به نبرد پرداخت و شکست سنگینی بدانها وارد کرد.

لورنس نگاه نظرش را به خطوط راه‌آهن معطوف ساخت. به طوری که بعد از چند عملیات

موفقیت‌آمیز مدینه به محاصره درآمد و حتی جایزه‌های هم برای دستگیری فرماندار آن به نام "آل اورنس" تعیین شد.

### ◆ لورنس در دمشق

در سال ۱۹۱۸، لورنس در یک حرکت ناموفق به راه آهن نظامی بین فلسطین و سوریه حمله کرد. در تابستان همان سال و بعد از گفتگو با "النبی"، لورنس به منظور یک حمله سنگین به دمشق نیروهای فیصل را به "قصر ازرق" اعزام داشت. خود لورنس به کمک نیروهای تحت فرمانش در پاییز همان سال به ارتش ترک در خطوط مقدم اردن حمله برد و قبل از ورود نیروهای انگلیسی وارد دمشق شد. لورنس کنترل شهر را در دست گرفت و بعد از مدتی نیروهای "النبی" نیز به وی ملحق شدند.

### ◆ کنفرانس صلح

لورنس در کنفرانس صلح بهار سال ۱۹۱۹ (نزدیک پاریس) به صورت یکی از چهره‌های بارز و برجسته این نشست درآمد. نقش او در به راه‌انداختن جنگ‌های چریکی و طراحی نقشه‌های جنگی، در ورود امیر فیصل از انگلیس به فرانسه بسیار مشخص و معلوم شد. اما لورنس با نقشه‌های فرانسه در مورد سوریه موافقت نکرد. به ناچار از کارها دست کشید و به نوشتن خاطرات و ماجراهایی که برایش رخ داده بود همت گماشت. کتاب اولش به نوعی مفقود شد و کتاب دومش را به نام "هفت رکن حکمت" در سال ۱۹۲۶ منتشر ساخت.

در سال ۱۹۱۹ بود که وی به عنوان یکی از اعضای محقق آکسفورد در این دانشگاه پذیرفته شد. اما یک سال بیشتر به این کار ادامه نداد و از زندگی آکادمیک خیلی زود کناره گرفت. در سال ۱۹۲۱ وینستون چرچیل او را به عنوان مشاور امور اعراب اداره مستعمرات فرا خواند به طوری که فکر و طرح‌های او باعث شد که فیصل به پادشاهی عراق برسد. اما لورنس در سال ۱۹۲۲ به دلیل آنکه یاران و هم‌پیمانانش نتوانسته بودند طرح‌هایی را که او در دست داشت برای اعراب پیاده کنند، از کارهای دولتی به کلی کناره گرفت و فقط در نیروی هوایی انگلیس به عنوان مکانیک هواپیما مشغول کار شد. لورنس در سال ۱۹۲۳ به طور کلی از نظر

عموم ناپدید شد و گوشه عزلت برگزید. اما دوباره در سال ۱۹۲۵ به نیروی هوایی بازگشت و در جبهه شمال غربی در هند مشغول به کار شد.

در سال ۱۹۲۷ وی نامش را به "شاو" تغییر داد. در سال ۱۹۲۸ به انگلیس فرا خوانده شده و در مارس ۱۹۳۵ نیروی هوایی انگلیس را نیز ترک گفت. بالاخره در ماه مه ۱۹۳۵ در یک سانحه موتورسیکلت در منطقه "مورتون" در ناحیه "دوردست شایر" انگلستان جان خود را از دست داد.

در برخی از کتابها نیز به زندگینامه لورنس عربستان اشاره شده، که از آن جمله کتاب "در خاورمیانه چه گذشت" قابل ذکر است. در این کتاب می‌خوانیم: "لورنس" (عربستان)، توماس ادوارد: (۱۸۸۸-۱۹۳۵)، افسر، باستان‌شناس و سیاستمدار انگلیسی، دومین پسر از پنج فرزند غیرشرعی سرتوماس رابرت لورنس، از پرستار دخترانش "سارامان" بود. سرتوماس قبلاً زن و چهار دختر خود را ترک گفته، به "ویلز" کوچیده بود و چون زنش حاضر نشد با طلاق موافقت کند، او زندگی زناشویی بدون ازدواج را با سارامان آغاز کرد و تا پایان عمر ادامه داد. وقتی توماس ادوارد به سن ۸ سالگی رسید، خانواده وی در آکسفورد مسکن گزید و هر پنج برادر از دانشگاه آن فارغ‌التحصیل شدند.

"لورنس" معمولاً در لباس زنان کولی سوریه از مناطق تحت کنترل نیروهای طرف مقابل بازدید می‌کرد و از آنان اطلاعاتی به دست می‌آورد. عکسی که توسط دوستش "لورل توماس" برداشته شده است، "لورنس" را در لباس زنان کولی نشان می‌دهد.

"توماس ادوارد لورنس" معروف به "لورنس عربستان" در سن ۱۰ سالگی دریافت که فرزندی نامشروع است و از این رو گرفتار صدمه‌ای عاطفی گشت. این احساس نقص، توماس را بر آن داشت که در مدرسه و دانشگاه برای اثبات برتری خود بر همسالان کوشش کند. او به هنگام تحصیل در رشته باستان‌شناسی، با جلب توجه خاورشناس "هوگارت"، وی را به عنوان پدر دوم خود برگزید. برخی از مورخان می‌گویند این احساس، هر پنج برادر را بر آن داشت که تصمیم بگیرند هیچ‌گاه ازدواج نکنند.

لورنس از آغاز جوانی شیفته مشرق عربی شد و بارها کتاب "صحرای عرب" نوشته "داوتی" را با

اشتیاق تمام خواند. ضمن تحصیل در دانشگاه، به سوریه و فلسطین مسافرت کرد تا قلعه‌های صلیبی را مشاهده کند و مقاله‌ای راجع به آن بنگارد. در سال ۱۹۱۰ به هیاتی که موزه بریتانیا برای بررسی آثار باستانی "گر کمیش" به کرانه‌های فرات فرستاده بود، ملحق شد. ولی تا سال بعد در نقطه‌ای کوهستانی در لبنان ماند و در مدرسه‌ای مسیحی به فراگرفتن زبان عربی پرداخت. در سال ۱۹۱۱ دکتر هوگارت به او پیوست و هر دو متفقاً به "گر کمیش" رفتند. هنگامی که دولت‌های باختری توپخانه‌گری خود را برای تقسیم املاک عثمانی آغاز نهادند، بریتانیای کبیر احساس کرد که جنگ به ناچار بر سر این کار در خواهد گرفت. چنین بود که انگلیسی‌ها هیاتی را (که لورنس عضو آن بود) به صحرای سینا فرستادند.

### قسمت دوم

گفتی است که پس از کشته شدن "سیمیتقو"، (تجزیه طلب در کردستان و لرستان) فرمانده قوای آذربایجان از تحریکات "لورنس"، در منطقه اطلاع داشت و به وسیله رکن ۲ قوای تحت امر خود که ریاستش با یکی از افسران به نام ابراهیمی بود، از اقدامات لورنس مطلع شد عاقبت نیز همین افسر که طی ماجرای از ورود "لورنس" به ایران مطلع بود و تا ارومیه وی را تعقیب کرده بود، موفق شد "لورنس" را در مدرسه آمریکایی ارومیه شناسایی و دستگیر کند.

لورنس با دیدن نایب اول ابراهیمی، با خونسردی گفت: اشتباه کرده‌اید، من پروفیسور جاکسن هستم!

### لورنس در زندان قصر!

به این ترتیب "لورنس" به دفتر فرماندهی قوای آذربایجان انتقال یافت و چون جریان امر با تلگرام رمز به اطلاع رضاخان رسیده بود، از اعدام وی خودداری شد و نامبرده را تحت الحفظ به زندان تازه تاسیس قصر فرستادند و او را به عنوان یک معلم و کشیش ساده انگلیسی زندانی کردند (چند سال پس از این ماجرا سروان ابراهیمی در ملاقاتی با دکتر شیفته سردبیر روزنامه مرد امروز، جزئیات آن را با وی در میان گذاشت و این ماجرای واقعی برای اولین بار در سال ۱۳۲۳ در روزنامه مزبور چاپ شد).

### ۳ مرد عجیب

دکتر شیفته در کتاب "۳ مرد عجیب" سپس به ذکر جزئیات اجرای نقشه شورش در زندان قصر و فراری دادن لورنس از زندان در یکی از روزهای اسفند ۱۳۰۹ می‌پردازد و شرح می‌دهد که او در یک صحنه‌سازی توسط ماموران مستوفی الممالک رئیس الوزرای رضاخان پذیرایی و اطعام و سپس با مساعدت‌های سرتیپ زاهدی مخفیانه از تهران فراری داده شد.

نصرت‌الله شیفته در پایان کتاب خود می‌نویسد: "لورنس از یکی از دروازه‌های شرقی شهر وارد تهران شد و دیگر کسی از وی اطلاعی نیافت. مدتی از وی خبری نبود، تا یک روز جراید خارجی خبر دادند که لورنس در قاهره دیده شده است!"

### باز خوانی اسناد محرمانه

در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران در زمینه ورود لورنس به ایران جمعا ۱۸ سند وجود دارد، که تاریخ اولین سند ۱۳۰۸/۱۰/۱۲ و آخرین سند ۱۳۰۹/۹/۲۲ شمسی است.

\* اولین سندی که در مورد ورود مخفیانه لورنس عربستان به ایران وجود دارد، گزارش محرمانه علی منصور استاندار آذربایجان به وزارت داخله است و از متن گزارش استنباط می‌شود که هواپیماهایی که از خاک عراق برخاسته بودند با ریختن اوراق و اعلامیه‌هایی در مناطق کردنشین سردشت، اهالی را به قیام و شورش تشویق می‌کردند. متن سند به شرح زیر است:

وزارت داخله

اداره ایالت آذربایجان

به تاریخ ۱۰/۱۲/۱۳۰۸ سنه

نمره ۱۲۱۸۴

محرمانه

مقام محترم وزارت جلیله داخله از حکومت سردشت راپورت رسیده است که از حدود سلیمانیه و اورامان و مریوان و سنندج بعضی اخبار غیرمنتظره در سردشت منتشر می‌شود، بعضی از افراد طایفه پشدری که به سردشت رفت و آمد دارند در ضمن صحبت مذاکره کرده‌اند. در میان طایفه مزبور با طیاره اوراقی انتشار داده و آنها را به تعقیب خیالات واهی و اادار می‌نمایند. لهنذا مراتب به اداره لشکری اشعار و به حکومت ساوجبلاغ نیز مراجعه گردید که سقم و صحبت اخبار منتشره را تحقیق

کرده، راپرت جامع الاطراف بدهند، علی منصور.

در زیر سند نوشته شده است:

فوری

اداره کل

سوادای از این راپرت محرمانه برای حضرت اشرف آقای وزیر دربار و سوادای هم به وزارت جنگ و سوادای هم به وزارت خارجه و سوادای تیز به دفتر مخصوص فرستاده و نتیجه تحقیقات و قضایا را از ایالت بخواهید.

متن سایر سندهای ورود مخفیانه لورنس به ایران در پی می‌آید:

وزارت خارجه

کارتن ۱ دوسیه ۱۱ نوع مسوده مکتوب

پاکنویس کننده غلامعلی، تاریخ، پاکنویس ۲۱

دیماه تاریخ ثبت ۱۳۰۸/۱۰/۲۱ فوری است.

محرمانه است.

وزارت داخله

ریاست آذربایجان

محرمانه

به تاریخ ۲۶ بهمن ماه سنه ۱۳۰۸

نمره ۶۰۱ مقام محترم وزارت جلیله داخله.

حکومت سردشت راپورت می‌دهد مطابق اطلاعاتی که از نواحی حدودی بین النهرین می‌رسد گویا کلنل لورانس انگلیسی اخیراً به کردستان آمده و در نتیجه تحریکات او در ایل بندری اختلاف تولید گردیده بود، زد و خورد چهار نفر از خوانین کوچک آنها با یک نفر رعیت کشته شده است. محض اطلاع عرض شد. علی منصور.

نکته حائز اهمیت این است که در سال‌های

۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ که لورنس به کردستان برای

تحریک مردم این سرزمین رفته بود اوایل حکومت

رضاخان بوده و لندن مایل بود برای رضاخان که در

آن زمان به انگلیس‌ها پشت کرده بود در سر ایحاد

کند.

رضاخان تمایل زیادی به همکاری با آلمان‌ها

داشت و لندن از این همکاری سخت ناراحت.

□□□

پی نوشت:

۱- لورنس در جورج

۲- لورنس در سال ۱۹۲۷

۳- لورنس در عربستان

۴- لورنس در میان افسران انگلیسی